

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: استیون سملر و سارا لازار –  
فرستنده: عثمان حیدری  
۱۳ مارچ ۲۰۲۵

## افسانه کاهش بودجه پنتاگون



رئیس‌جمهور دونالد ترامپ در کنار مارلین هیوستون، مدیرعامل وقت لاکهید مارتین، در مقابل یک جنگنده اف-۳۵ در سال ۲۰۱۸ دیدار می‌کند. لاکهید از زمان نخستین رقابت انتخاباتی ترامپ، میلیون‌ها دلار به او کمک مالی کرده است. (عکس از الکس ونگ/گتی ایمجز)

\*\*\*\*\*

در حالی که ترامپ و ماسک هزینه‌های اجتماعی را کاهش می‌دهند، هزینه‌های نظامی در حال افزایش است. این تیتر چشمگیری است: واشنگتن پست گزارش می‌دهد «دولت ترامپ به پنتاگون دستور می‌دهد که برای کاهش گسترده بودجه برنامه‌ریزی کند»؛ پولیتیکو می‌نویسد «هگست دستور کاهش عمده هزینه‌های پنتاگون را صادر کرد». چنین اخباری شگفت‌انگیز است، زیرا در حالی که کاهش بودجه پنتاگون در میان عموم مردم محبوبیت دارد، در واشنگتن تقریباً اقدامی کفرآمیز به‌شمار می‌آید.

اما فقط یک مشکل وجود دارد: این اتفاق نیفتاد. وزیر پنتاگون، پیت هگست، هرگز دستور کاهش هیچ بودجه‌ای را نداد؛ بلکه دستور او صرفاً به جابه‌جایی منابع مالی از برخی برنامه‌های نظامی به برنامه‌های دیگر محدود می‌شد. این یعنی تغییر ساختار بودجه پنتاگون، نه کاهش آن. اگر ترامپ تهدیدی برای مجتمع نظامی-صنعتی محسوب می‌شود، کسی به خود زحمت اطلاع دادن این موضوع را به این مجتمع نداده است.

فقط کافی است به سخنان خود هگست نگاهی بیندازیم تا این موضوع را ثابت کنیم. او در بیانیه‌ای در ۲۰ فبروری اعلام کرد که پنتاگون به DOGE متکی خواهد بود تا «موارد تقلب، اسراف و سوءاستفاده را در بزرگترین بودجه اختیاری

دولت فدرال» شناسایی کند. اما در ادامه افزود که چنین کاهشی «به ما این امکان را می‌دهد که منابع را در جاهای دیگر سرمایه‌گذاری کنیم». این کاهش ادعائی ۸ درصدی قرار است از «برنامه‌های غیرکشنده» تأمین شود و بودجه آن به‌جای دیگر، یعنی اولویت‌های ترمپ در چارچوب سیاست «اول امریکا»، اختصاص یابد. این اولویت‌ها شامل افزایش نگران‌کننده استقرار نیروهای نظامی در مرز مکزیکو، یک پروژه مضحک موسوم به «گنبد آهنین»، و تسریع روند نظامی‌سازی منطقه هند و اقیانوس آرام است.

در حالی که رسانه‌ها مقالات جنجالی درباره «عدم کاهش» هزینه‌های نظامی توسط DOGE منتشر می‌کنند، کنگره در حال پیشبرد افزایش واقعی بودجه نظامی است. ترمپ از طرح بودجه جمهوری‌خواهان که این هفته در مجلس نمایندگان تصویب شد، حمایت کرده است — طرحی که ۱۰۰ میلیارد دلار بیشتر به بودجه پنتاگون اضافه می‌کند. این طرح، کاهش‌های شدید در حوزه‌های کشاورزی، آموزش، انرژی، بهداشت، زیرساخت‌ها، حمل‌ونقل و موارد دیگر را اعمال خواهد کرد، از جمله برنامه‌های حیاتی تأمین رفاه اجتماعی مانند «مدیکید» (Medicaid) و «برنامه تکمیلی تغذیه» (SNAP) که پیش‌تر به‌عنوان کوپن غذا شناخته می‌شد، برنامه‌هایی که ده‌ها میلیون نفر به آن‌ها وابسته‌اند. به‌طور کلی، اگر حوزه‌ای مستقیماً به مسائل نظامی یا امنیت مرزی مرتبط نباشد، احتمالاً در لیست حذف قرار گرفته است.

یکی از نشانه‌های آشکار این وضعیت، اعتماد سرمایه‌گذاران در صنایع نظامی است. «شاخص منتخب صنایع هوافضا و دفاعی» (S&P)، که نمایانگر وضعیت صنعت تسلیحات است، از زمان انتخاب ترمپ ۴/۱ درصد افزایش داشته و نسبت به فیرووری سال گذشته ۲۱/۱۸ درصد رشد کرده است. برخی از مدیران ارشد صنایع نظامی نیز به‌طور علنی از ایلان ماسک و DOGE به‌دلیل سیاست‌های مقررات‌زدائی و رویکرد مساعدشان نسبت به این صنعت تمجید کرده‌اند.

### محل‌های احتمالی افزایش بودجه پنتاگون

برخی بخش‌های بودجه پنتاگون عامل اصلی افزایش هزینه‌های نظامی در کل خواهند بود. در یک یادداشت داخلی دولت ترمپ، ۱۷ حوزه اولویت‌دار مشخص شده که احتمالاً در درخواست بودجه سال ۲۰۲۶ رئیس‌جمهور شاهد افزایش بودجه خواهند بود. چند مورد از این اولویت‌ها به‌طور خاص خطرناک و غیراخلاقی هستند.

### «فعالیت‌های مرزی جنوب غربی»

یا به‌عبارت دیگر: استقرار نیروهای نظامی ایالات متحده در امتداد مرز جنوبی. مشکلات: افزایش حضور نظامی در مرز بخشی از کارزار گسترده نفرت‌پراکنی ترمپ علیه مهاجران است، و او اکنون، مجهز به پرهزینه‌ترین نیروی نظامی جهان، در حال اجرای این سیاست است. پایگاه ارتش ایالات متحده در فورت‌بلیس، ال‌پاسو، تگزاس، در حال حاضر به مرکزی اصلی برای پروازهای اخراج مهاجران بدل شده است — از جمله انتقال افراد به بازداشتگاه‌هایی مانند تأسیسات نیروی بحری ایالات متحده در خلیج گوانتانامو، کوبا؛ جایی که ترمپ به نهادهای فدرال دستور داده است فضای بیشتری برای حبس تا ۳۰,۰۰۰ مهاجر ایجاد کنند. از نظر قانونی، نیروهای وظیفه فعال ارتش از انجام عملیات‌های اجرای قانون منع شده‌اند. اما افزایش نظامی‌سازی در مرز احتمال بمباران مکزیکو یا اعزام نیروهای امریکائی برای جنگ با کارتل‌های مسلح را بشدت افزایش می‌دهد. چنین اقداماتی علاوه بر نقض قوانین داخلی و بین‌المللی، احتمالاً باعث تلافی از سوی کارتل‌ها خواهد شد، و در نتیجه،

ایالات متحده را به درگیری‌های نظامی بیشتری خواهد کشاند. این خشونت براحتی می‌تواند به جوامع مرزی ایالات متحده کشیده شود و همزمان شرایط انسانی را در طرف مکسیکوئی مرز وخیم‌تر کند.

همه این‌ها در چارچوب سیاست‌های امپریالیستی آشکار ایالات متحده انجام می‌شود. تغییر نام «خلیج مکسیکو» به «خلیج امریکا» ممکن است مسخره به نظر برسد، اما وقتی امریکا در حال اعزام نیروهای نظامی به مرز است، دیگر خنده‌دار نیست.

### «نوسازی هسته‌نی»

یا به عبارت دیگر: ادامه انباشت سلاح‌های هسته‌نی.

مشکلات: اصطلاح «نوسازی» در ساده‌ترین سطح به معنای هزینه کردن برای تسلیحات هسته‌نی است، نه پیگیری سیاست‌های عدم اشاعه و خلع سلاح، که می‌توانست جهان را به مکانی امن‌تر تبدیل کند. از نظر تاریخی، «نوسازی» شامل خرید سلاح‌های هسته‌نی جدید، از جمله راکت‌های قاره‌پیمای بالستیک است – تسلیحاتی که به قدری خطرناک‌اند که می‌توانند به‌طور تصادفی یک جنگ هسته‌نی را شعله‌ور کنند.

در حال حاضر، هزینه سالانه تسلیحات هسته‌نی در سراسر جهان، با تعدیل بر اساس تورم، ۷ میلیارد دلار بیشتر از سال ۲۰۲۰ است. سهم ایالات متحده از این هزینه جهانی از کمتر از ۵۲ درصد به بیش از ۵۶ درصد افزایش یافته است.

«ساعت روز قیامت»، ابزاری که برای هشدار به افکار عمومی درباره میزان نزدیکی بشر به نابودی خود با فناوری‌هایی همچون سلاح‌های هسته‌نی در سال ۲۰۲۰ روی ۱۰۰ ثانیه به نیمه‌شب تنظیم شده بود، اکنون به ۸۹ ثانیه به نیمه‌شب کاهش یافته است.

انباشت تسلیحات هسته‌نی کاملاً فرادستگاهی است: دموکرات‌ها در سال ۲۰۲۰ ریخت‌وپاش‌های ترمپ در حوزه تسلیحات هسته‌نی را محکوم کردند، اما در سال ۲۰۲۴، برای هزینه‌های حتی بیشتر دولت بایدن-هریس در این زمینه، کف زدند.

### «دفاع راکتی سرزمینی»

یا به عبارت دیگر: ساخت یک «گنبد آهنین» امریکائی، مشابه دستگاه تسلیحاتی اسرائیل.

مشکلات: فرمان اجرایی ترمپ در جنوری برای ایجاد یک «گنبد آهنین برای امریکا» نشان‌دهنده احیای طرح «جنگ ستارگان» رونالد ریگان است – تلاشی شکست‌خورده برای دفاع در برابر حملات هسته‌نی. آن پروژه یک اتلاف مالی سرسام‌آور بود.

طبیعتاً، «کارشناسان» اندیشکده‌هایی که از سوی صنایع تسلیحاتی تأمین مالی می‌شوند بشدت از طرح ترمپ حمایت می‌کنند. در مقابل، متخصصان واقعی در حوزه سلاح‌های هسته‌نی آن را تخیلی، اقتصادی ویرانگر و از نظر ستراتیژیک نابخردانه توصیف می‌کنند. حتی اگر پروژه «گنبد آهنین ترمپ» کارائی داشته باشد، باعث نابودی تلاش‌های خلع سلاح هسته‌نی میان قدرت‌های بزرگ و تسریع رقابت تسلیحات هسته‌نی در سطح جهانی خواهد شد.

(نکته: در ۲۴ فبروری، «گنبد آهنین برای امریکا» به «گنبد طلایی برای امریکا» تغییر نام داد، اما این نام جدید چندان مورد توجه قرار نگرفت.)

## «پروژه‌های اجرایی ساخت‌وساز نظامی برای فرماندهی هند-اقیانوس آرام ایالات متحده»

یا به عبارت دیگر: ادامه ستراتیژی محاصره چین.

مشکلات: با افزایش استقرار نظامی ایالات متحده در اطراف چین، مردم عادی و اصول بنیادین حق تعیین سرنوشت محلی در معرض آسیب قرار می‌گیرند. در حال حاضر، ۳۱۳ پایگاه نظامی ایالات متحده در شرق آسیا فعال است، و آمریکا در مجموع تقریباً ۷۵۰ پایگاه نظامی در سراسر جهان دارد. (برای مقایسه، چین بسته به منابع مختلف، بین ۸ تا ۱۰ پایگاه نظامی خارجی دارد.)

هرگونه افزایش نظامی‌سازی در منطقه احتمال درگیری یا حتی جنگ آشکار را افزایش می‌دهد. بسیاری از مردم منطقه نیز مخالف استفاده از کشور هایشان به‌عنوان پایگاهی برای گسترش نفوذ نظامی آمریکا هستند.

در سال‌های اخیر، ایالات متحده بار دیگر حضور نظامی خود را در فیلیپین تثبیت کرده است – پس از آن‌که در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی، بر اثر یک جنبش گسترده ضدپایگاه‌های نظامی، مجبور به ترک این کشور شد.

کوراژون والدز فابروس، فعال ضدحضور نظامی آمریکا در فیلیپین، در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۲۳ این وضعیت را چنین توصیف کرد: «تصور کنید که مهمانی به خانه شما بیاید. شما از او استقبال می‌کنید. اما این مهمان، همه اسلحه‌ها و تجهیزات را در اختیار دارد، و شما اساساً توان مخالفت ندارید، چون او کاملاً مسلح است. حتی اگر بخواهید، نمی‌توانید از او بخواهید که خانه‌تان را ترک کند. این یعنی آمریکا.»



معترضان در شهر کزون، فیلیپین، در ۲۲ اپریل ۲۰۲۴، پلاکاردهائی در دست دارند که خواستار خروج نیروهای آمریکائی از این کشور و مخالفت با مانور مشترک ۱۹ روزه «بالیکاتان ۲۰۲۴» بین فیلیپین و ایالات متحده هستند. (عکس از روئل اومالی/Getty Images via Xinhua)

مجموع این ۱۷ حوزه اولویت‌دار نشان‌دهنده پرداخت‌های کلان به شرکت‌های تسلیحاتی است. به عبارت دیگر، همان روال همیشگی، اما با چاشنی پروژه‌های موردعلاقه ترمپ، مانند گنبد آهنین و نظامی‌سازی مرزها.

بیشتر این اولویت‌ها شامل انتقال مبالغ هنگفتی از بودجه عمومی به پیمانکاران نظامی برای تولید تسلیحات گران‌قیمت است. یکی از نمایندگان صنعت تسلیحات درباره برنامه پیشنهادی «گنبد آهنین/طلایی برای آمریکا» چنین گفت: «این پروژه مثل تب طلا برای شرکت‌های تسلیحاتی خواهد بود – همه تلاش خواهند کرد نشان دهند که چگونه می‌توانند در این طرح سهمی باشند.»

دیگر اولویت‌ها نیز همین پیام را منتقل می‌کنند:

- تحت البحری‌های کلاس ویرجینیا هرکدام بیش از ۴/۵ میلیارد دلار هزینه دارند.
- نوسازی هسته‌ی یکی از بزرگترین بخش‌های هزینه‌های ایالات متحده در حوزه تسلیحات هسته‌ی است که مجموع آن به ۶۹ میلیارد دلار می‌رسد.
- «پایگاه‌های صنعتی مهمات و مواد منفجره» نیز به‌معنای میلیاردها دلار یارانه فدرال برای تولیدکنندگان تسلیحات است.

### گسترش فراگیر نظامی

بودجه فعلی پنتاگون، با احتساب تورم، تقریباً برابر با اوج هزینه‌های جنگ‌های عراق و افغانستان است – و این خبر خوبی نیست.

پس از افزایش‌های چشمگیر برای تأمین مالی حملات، اشغال و تخریب افغانستان و عراق، هزینه‌های نظامی سالانه ایالات متحده در حال کاهش بود. اما این روند پس از نخستین بودجه ترمپ (برای سال مالی ۲۰۱۸) متوقف شد. دولت ترمپ این افزایش را در چارچوب دوران «رقابت قدرت‌های بزرگ» توجیه کرد – یعنی «جنگ بی‌پایان علیه تروریسم» جای خود را به یک جنگ سرد بی‌پایان داد، جنگی که بودجه آن از جنگ سرد قبلی بسیار فراتر رفته است. پس از آن که ترمپ هزینه‌های نظامی را افزایش داد، بایدن در چهار سال بعد این روند را تشدید کرد. اکنون نگرانی این است که ترمپ دقیقاً از همان‌جایی که بایدن متوقف شد، ادامه دهد – همان‌گونه که بایدن دقیقاً از همان‌جایی که ترمپ متوقف شد، ادامه داد.

### توهم امنیت از طریق افزایش هزینه‌های نظامی

واشنگتن، به‌ویژه در دوران دو رئیس‌جمهور اخیر، به‌نظر می‌رسد دچار این تصور غلط شده است که افزایش هزینه‌های نظامی به‌معنای امنیت بیشتر است. بایدن بودجه‌های نظامی را «سرمایه‌گذاری در امنیت ملی» نامید – گوئی امنیت صرفاً از پنتاگون بیرون می‌آید اگر پول کافی به آن تزریق شود. ترمپ نیز همین منطق را پذیرفت؛ ستراتیژی دفاع ملی او در سال ۲۰۱۸ اعلام کرد: «مطمئن‌ترین راه برای جلوگیری از جنگ، آمادگی برای پیروزی در آن است»، و این امر مستلزم «سرمایه‌گذاری چندین ساله و مستمر برای احیای آمادگی رزمی و ایجاد یک نیروی کشته‌ده» است.

با وجود هزاران میلیارد دلار سرمایه‌گذاری به نام امنیت، تمام شواهد نشان می‌دهد که افزایش قدرت نظامی امنیت واقعی به ارمغان نمی‌آورد، بلکه جهان را خطرناک‌تر می‌کند. تجمع نیروهای نظامی ترمپ مانع از تهاجم روسیه به اوکراین نشد، و ولخرجی‌های نظامی بایدن نقش کلیدی در کشاندن ایالات متحده به مسیر جنگ با چین داشته است.

### حزب‌های سیاسی در وضعیت خودکار: افزایش بودجه پنتاگون بدون محاسبه پیامدها

هر دو حزب سیاسی امریکا، بدون کوچک‌ترین تأملی – بدون در نظر گرفتن پیامدها، هزینه‌ها یا نظر افکار عمومی – افزایش‌های بودجه پنتاگون را تصویب می‌کنند.

## نتیجه؟ یک و لخرجی نظامی نجومی.

انباشت نظامی ترمپ-بایدن به مراتب از افزایش‌های افسانه‌ی بودجه نظامی ریگان در دهه ۱۹۸۰ فراتر رفته است — بودجه سالانه پنتاگون در دوران این دو دولت، به‌طور متوسط بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار بیشتر از دوران ریگان بوده است.

در میان افزایش‌های نظامی پس از جنگ جهانی دوم، افزایش هزینه‌های نظامی در دوران ترمپ-بایدن بیشترین شباهت را به دوران ریگان دارد. در هر دو دوره، کاهش شدید بودجه رفاه اجتماعی نیز همراه با این روند دیده می‌شود. اما ویژگی مشترک دیگر آن‌ها این است که همه را ناامن‌تر کرده‌اند.

- افزایش شدید هزینه‌های نظامی ریگان، تشنج‌ها با اتحاد جماهیر شوروی را شعله‌ور کرد و تلاش‌های تشنج‌زدائی را که از دوران کندی در سال ۱۹۶۳ آغاز شده بود، از بین برد.
- به‌طور مشابه، انباشت نظامی فعلی، خطر جنگ عمدی یا تصادفی با چین را بشدت افزایش داده است.

## افزایش سرسام‌آور سود شرکت‌های تسلیحاتی

در هر دو دوره، سود شرکت‌های تسلیحاتی سر به فلک کشید.

- در دوران ریگان، تقاضای بودجه دفاعی عرضه صنعت تسلیحات را بشدت پشت سر گذاشت.
- شرکت‌های اسلحه‌سازی از این فرصت استفاده کردند و قیمت‌ها را به‌شدت بالا بردند.
- ریگان، در مقایسه با کارتر، تعداد بیشتری راکت، هواپیما و تانک خرید، اما برای هر کدام به ترتیب ۹۱ درصد، ۷۵ درصد و ۱۴۷ درصد بیشتر هزینه پرداخت کرد.

و اکنون، تحقیقات اخیر برنامه «۶۰ دقیقه» نشان داده است که پیمانکاران نظامی در تقریباً «همه‌چیز» که پنتاگون خریداری می‌کند، به‌صورت سازمان‌یافته قیمت‌گذاری نجومی انجام می‌دهند.

## هزینه‌های نظامی در برابر هزینه‌های معیشتی

در حالی که واکنش‌گتن پست و دیگر رسانه‌های جریان اصلی از کاهش‌های ساختگی بودجه پنتاگون خبر می‌دهند، در واقع کاهش‌های واقعی و قریب‌الوقوعی در برنامه‌های حیاتی مانند مدیکید (خدمات درمانی برای کم‌درآمدها) و SNAP (برنامه کمک تغذیه‌ای مکمل) در حال وقوع است.

به‌عبارت دیگر، برنامه‌های دولتی، که خدمات درمانی و کمک‌های غذایی را برای ده‌ها میلیون نفر فراهم می‌کنند، نابود می‌شوند تا بودجه یک تریلیون دلاری پنتاگون تأمین شود.

این سیاست، به نفع شرکت‌های بزرگ و اَبَرثروتمندان و به‌زیان طبقه کارگر است.

مثال: شرکت اسپیس‌ایکس ایلان ماسک تنها در همین سال مالی ۲۵۰ میلیون دلار قرارداد نظامی دریافت کرده است — مبلغی که به ثروت عظیم او که از محل یارانه‌های عمومی تأمین می‌شود اضافه شده است.

در مقابل، برنامه‌های اجتماعی مانند مدیکید و SNAP، که برای تأمین نیازهای انسانی طراحی شده‌اند و نه سود شرکت‌ها — تنها برنامه‌های اجتماعی هستند که در فهرست حذف قرار گرفته‌اند.

اگر حزب دموکرات نتواند از این حقایق بدیهی یک پیام سیاسی منسجم بسازد، اساساً نمی‌توان آن را یک حزب مخالف واقعی دانست. / منبع In These Times: بیست و هفتم فبروری ۲۰۲۵